

# مفهوم یادگیری در حد شایستگی

## اشاره

امروزه، درباره شایستگی و یادگیری در حد شایستگی بحث‌های فراوان صورت می‌گیرد. زیرا، جامعه به درجه‌ای از شناخت رسیده است که می‌داند دریافت مدرک و کسب نمره یا رتبه بالا در آزمون‌ها نمی‌تواند سندی بر شایستگی دانش‌آموز در انجام امور واقعی زندگی باشد. از این‌رو، این پرسش اساسی مطرح شده است که یادگیری در حد شایستگی یا در حد تسلط به چه معناست و ضرورت آن چیست؟

این مقاله، می‌تواند در این زمینه راه‌گشا باشد و متصدیان آموزش را از بدفهمی‌های موجود درباره شایستگی و تسلط در یادگیری برهاند.

ما برای این‌که به دانش‌آموزان کمک کنیم تا به استانداردهای سطح بالا دست یابند، ضرورت دارد از خودمان بپرسیم برای رسیدن به حد تسلط، به چه سطحی از عملکرد نیاز داریم؟

در فرهنگ اکتسفورد، تسلط به معنای کنشی است که به استدلال، مهارت یا توانایی سطح بالا برای انجام دادن عمل برجسته یا شگفت‌انگیز (مانند به کمال رساندن مهارت، توانایی یا موفقیت) نیازمند است.

هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که نقش کسب تسلط، در آموزش و پرورش کلیدی نیست. ما نمی‌خواهیم دانش‌آموزانی از مدارس دانش‌آموخته شوند که مهارتی را کسب نکرده باشند. بر عکس، می‌خواهیم دانش‌آموزانی

در طی سال تحصیلی به هدف‌های کلیدی آموزش دست یابند. با این حال، منظور از تسلط بر<sup>۱</sup> هدف‌های کلیدی چیست؟ مهارت یا توانایی انجام عملی برجسته و چشمگیر به چه معناست؟ و اگر فرض کنیم که می‌توانیم به هدف کلیدی دست یابیم، این سؤال مطرح می‌شود که چه سطحی از عملکرد نشان‌دهنده تسلط دانش‌آموز بر موضوع یادگیری است؟ در واقع، در بطن مفهوم تسلط، دو پرسش وجود دارد. افسوس، تعداد کمی از آموزش‌دهندگان درباره مفهوم تسلط به اندازه کافی و دقیق فکر می‌کنند. لذا، نتایج نامناسب و نامطلوب می‌گیرند و مفهوم تسلط را تا اندازه گرفتن نمره بالا در یک آزمون، پایین می‌آورند. بنابراین، تفکر درباره مفهوم «تسلط بر...» بهتر از مفهوم «تسلط» است.

## پرسش اول: مفهوم در حد تسلط به چه معناست؟

به نظر می‌رسد که «خبرگی در مهارت یا به کمال رساندن آن»<sup>۲</sup> به تکلیف پیچیده و چالش‌برانگیز نیاز دارد. با این حال، چگونه باید بدون شتاب‌زدگی مفهوم در حد تسلط را تعریف کنیم؟  
بنجامین بلوم<sup>۳</sup>، بانی یادگیری تسلط‌محور، به‌طور شگفت‌انگیزی به این سؤال پاسخ می‌دهد. بلوم هیچ جایی مفهوم در حد تسلط را تعریف نکرده

## کلیدواژه‌ها:

یادگیری در حد تسلط، سنجش یادگیری، مفهوم تسلط، سنجش یادگیری در حد تسلط

چیرگی در مهارت  
یا به کمال رساندن  
آن، نیازمند  
تکالیف پیچیده و  
چالش‌زاست

## انتقال مؤثر یادگیری همراه با خلاقیت، ظرافت و مطلوبیت، پایه تسلط محسوب می‌شود

است. او فقط مجموعه کاملی از استانداردهای ملاک مرجع<sup>۴</sup> را به ما ارائه می‌کند (بلوم، ۱۹۶۸). تاکنون نویسندگان و پژوهشگران معروفی در این زمینه مطالعه کرده‌اند و بر پایه مطالعاتشان پیشنهاد می‌کنند که می‌توان مفهوم در حد تسلط را بر پایه کسب نمره در هر آزمونی تعریف کرد. برای مثال می‌توان کسب ۸۵ یا ۹۰ درصد از نمره یک آزمون را به مفهوم تسلط بر محتوا تلقی کرد. کوبینا<sup>۵</sup> و موریسن<sup>۶</sup> (۲۰۰۰) می‌گویند تنها کارشناسان و متخصصان می‌توانند مفهوم در حد تسلط را تعریف کنند.

بسیاری از مدارس می‌گویند که ما خودمان پایه تسلط و محور آن را تعیین و تعریف می‌کنیم. لذا، به این منظور از نمره یا تأییدیه‌های نامعتبر استفاده می‌کنند. در صورتی که باید به پیشینه تحصیلی، ارزش‌ها، و تکالیف معتبری استناد کنند که می‌توانند سطح بالای توانایی دانش‌آموزان را تعیین کنند (ویگینز<sup>۷</sup> و مک‌تیک<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵). علاوه بر این، مدارس مفهوم در حد تسلط را به کسب درجه بالا در سنجش‌های ساده و نامعتبری<sup>۹</sup> که به عمل می‌آورند، کاهش می‌دهند.

### مخاطرات تدریس ذره به ذره

نتیجه فقدان دید جامع نسبت به تعیین مفهوم تسلط یافتن، احتمالاً باعث شده است که آموزش و پرورش بر پایه فهرستی قدیمی از فعالیت‌ها یا اعمال گام به گام در قالب هدف‌های یادگیری، مفهوم تسلط یافتن را تعریف کند. حتی یک نفر پیدا نشده که بگوید این امر اساساً به‌طور اشتباه در برنامه درسی طراحی شده است. یعنی این که یک مجموعه کلی را در نظر بگیریم، آن را در گام یا قطعه‌های کوچکی تقسیم کنیم، سپس از آن‌ها به‌طور پیوسته و زنجیره‌ای و خشک در چرخه آموزش و آزمون استفاده کنیم و بگوییم

هر کسی که بتواند این گام‌ها را کاملاً به‌طور متوالی با موفقیت به پایان برساند، «تسلط» پیدا کرده یا خبره شده است. هر چند چنین قصدی خوب است، اما قطعه‌قطعه کردن، ما را به سویی هدایت می‌کند که بی‌فایده و خطرناک است و سرانجام دانش‌آموز را به یادگیری محتوا و مهارت‌هایی سوق می‌دهد که در امور زندگی برای او کاربرد و ارزشی ندارد<sup>۱۰</sup>.

تام گاسکی<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۵) یکی از شاگردان بلوم است. او می‌گوید: هیچ وقت منظور استادام از طبقه‌بندی‌ای که ارائه کرده بود، معنایی نیست که امروزه از آن درک و به آن عمل شده است. بلکه، آنچه که امروز به آن عمل می‌شود به حدود صد سال پیش برمی‌گردد و ریشه در نظریه جان دیویی<sup>۱۲</sup> (۱۹۱۶) در یادگیری خزانه لغات دارد.

### هدف از تعریف تسلط

چگونه می‌توانیم مفهوم تسلط را تعریف کنیم،

## برای آگاهی از تسلط دانش‌آموزان بر محتوای آموزش داده شده، باید آموخته‌های آنان را در ارتباط با تکالیف واقعی و چالش‌زا مورد سنجش قرار داد

## انتقال مؤثر یادگیری به عملکرد در امور واقعی و ارزشمند را تسلط می گویند

### \* پی‌نوشت‌ها

1. Mastery
2. Consummate skill
3. Benjamin Bloom
4. Criterion - referenced standards
5. Kubina
6. Morrison
7. Wiggins
8. Mctighe
9. nonvalidated assessment

۱۰. بلوم در کتابش به نام «ویژگی‌های آدمی و یادگیری آموزشی» درباره یادگیری در حد تسلط می‌گوید:

... این نظر اساسی که اگر با مسئله آموزش به‌طور منظم و هوشیارانه برخورد کنیم، اکثر دانش‌آموزان می‌توانند آنچه را که آموزشگاه‌ها باید به آنان بیاموزند یاد بگیرند، نظری بسیار قدیمی است. برای هزاران سال، این طرز تفکر زیربنای روش‌های آموزش فردی بوده است...

روش تازه‌ای مبتنی بر این اعتقاد که اکثر دانش‌آموزان می‌توانند آنچه را که مرسه باید به آنان بیاموزد یاد بگیرند، تحت عنوان یادگیری در حد تسلط گسترش یافته است. این نوع یادگیری، این اندیشه را اساس کار می‌داند که اگر روش تدریس هوشیارانه و با نظم لازم باشد، و اگر هنگام برخورد با مشکلات به موقع به کمک دانش‌آموزان بشتابیم و نیز اگر به دانش‌آموز وقت لازم برای یادگیری مطلب را در حد تسلط بدهیم و اگر نوعی ملاک روشن برای سنجش آنچه که یادگیری در حد تسلط می‌دانیم وجود داشته باشد، آن‌گاه اکثریت دانش‌آموزان خواهند توانست به سطح بالایی از یادگیری نایل آیند (۱۹۸۲، ترجمه سیف، ۱۳۷۴ صص ۹ و ۸).

11. Guskey
12. Dewey

### \* منبع

Wiggins, Grant. (2011). How Good Is Good Enough? Educational Leadership. 71, 10-16. Retrieved January 14, 2014. From: [http://www.ascd.org/publications/educational-leadership/Jan\\_14/vol\\_71/Jan\\_14](http://www.ascd.org/publications/educational-leadership/Jan_14/vol_71/Jan_14).

با خلاقیت، ظرافت، و مطلوبیت، پایه تسلط به‌شمار می‌آید. تسلط یا چیرگی به معنای دانش فنی نیست. در واقع، حتی اگر دانش‌آموز از مهارت‌ها و فنونی به‌طور جداگانه برخوردار باشد و بتواند سریعاً از آن‌ها در پاسخ به اموری که به او محول می‌شود استفاده کند، نمی‌توان گفت که تسلط لازم را دارد. بلکه باید تسلط او در ارتباط با تکالیف پویا و واقعی مورد سنجش و آزمودن قرار بگیرد؛ و آموزش نیز باید از این تکالیف و امور واقعی بهره فراوان برد (ویگینز و مک‌تیک، ۲۰۰۵).

## پرسش دوم: چه خوبی به اندازه کافی خوب است؟

اطمینان از این که دانش‌آموزان می‌توانند به یک وظیفه یا تکلیف واقعی عمل کنند، برای درک تسلط ضروری است، اما کافی نیست. بلکه ضرورت دارد که عملکرد آنان را در تکالیف واقعی معتبری که از استانداردهای سطح بالایی برخوردارند مورد سنجش قرار بدهیم. بنابراین، می‌توان اظهار داشت که پرسش دوم ما درباره این موضوع است: چه تکالیفی را برای تعیین مفهوم به اندازه کافی خوب بودن در عمل به تکالیف در نظر بگیریم؟ حتی اگر از دانش‌آموزان بخواهیم که با محتوا و زمینه‌های مختلف کار کنند، باز باید به موارد ذکر شده در سطور فوق جامعه عمل ببوشانیم.

هر معلمی که به دانش‌آموزان خودش رتبه می‌دهد؛ در واقع مفهوم «به اندازه کافی خوب بودن» را بر پایه رتبه‌ای که کسب می‌کند، تعریف می‌کند. برای درک این مطلب (رویگرد)، تصور کنید که معلمی به دانش‌آموزانش رتبه «الف» یا «ب» می‌دهد. اما وقتی دانش‌آموزانش در آزمون‌های ملی شرکت می‌کنند، قادر نیستند همان رتبه «الف» یا «ب» را کسب کنند. در این موقع است که او متوجه می‌شود دانش‌آموزانش به اندازه کافی بر موضوع مورد آموزش تسلط نیافته‌اند. بنابراین، همان‌طور که در ابتدای مقاله به آن پرداخته شد تسلط به معنای انتقال مؤثر و روان یادگیری در عمل به تکالیف واقعی و چالش‌زاست. لذا ضرورت دارد که آموزشگران به جای محدود کردن مفهوم تسلط به کسب نمره یا رتبه‌های بالا در آزمون‌ها؛ به مفهوم اصلی و واقعی آن توجه کنند.

به‌طوری که برای آموزش و پرورش سودمند باشد و از افتادن به دام کاهش آن به کسب نمره بالا در یک آزمون جلوگیری کند؟ کوئینا و موریسن (۲۰۰۰) روانی و کثرت عملکرد درست را به‌منزله مؤلفه کلیدی «تسلط» در نظر می‌گیرند. اگرچه این ملاک‌ها سودمند هستند، ولی هنوز از پاسخ‌دهی به این پرسش کلیدی «روانی و کثرت در چه تکالیفی؟» خودداری کرده‌اند. البته با تعریفی که در زیر ارائه کرده‌ام، هدفم از این سؤال و بحث روشن‌تر می‌شود:

تسلط به معنای انتقال مؤثر یادگیری به عملکرد در امور واقعی و ارزشمند است. دانش‌آموزان زمانی بر موضوع یا محتوایی تسلط پیدا می‌کنند که بتوانند از دانش، مهارت و درکشان به‌طور روان و حتی خلاقانه در عمل به تکالیف و امور چالش‌زا استفاده کنند و به سطوح بالایی از استانداردهای معتبر دست یابند. لذا، انتقال مؤثر یادگیری، همراه